



تیتراهای امروز

آزمایش موفق موتور هواپیمای با قطعات و بستری آزمایش ایرانی با حضور رئیس جمهور

کار مبنایی مینا



کارگران فرانسوی در مخالفت با سیاست‌های اقتصادی دولت به خیابان‌ها آمدند

پتک کارگران بر سر مکرون

تظاهرات دیروز فرانسه بزرگ‌ترین تظاهرات ۲۰ سال اخیر این کشور بود

ژاکانی: فاز اول پروژه شهید پروچردی در منطقه ۱۸ در سال جاری افتتاح می‌شود

هوشمندسازی سفر در پایتخت

«امنیت شغلی» و «درآمد عادلانه» کارگران چگونه محقق می‌شود؟

کارگر

سرمایه تولید

جای خالی دستمزد بر مبنای افزایش هزینه‌ها و متعهد شدن کارگاه‌ها به اجرای قانون کار در رابطه با تعریف شغل ثابت

دیدگاه

همکاری برای اخراج کامل آمریکا از عراق

سیدرضا صدرالحسینی: در نقشه راه سیاست خارجی دولت سیزدهم یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد تأکید، مسأله روابط با کشورهای مسلمان و همسایه با تأکید بر مسائل اقتصادی است. «عراق» با بیش از ۱۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری اسلامی می‌تواند شاخصه‌های قابل توجهی را در این رابطه داشته باشد؛ هم‌کشور همسایه و مسلمان است و هم اکثریت مردم این کشور شیعه هستند و علائق تمدنی، فرهنگی، دینی، مذهبی و اقتصادی فراوانی میان ایران و عراق وجود دارد، بنابراین توافقات عمل‌آمده در دیدارهای گذشته مقامات تهران و بغداد قطعا و یقینا به پیگیری نیاز دارد که سفر اخیر رئیس‌جمهور عراق به تهران می‌تواند انجام توافقات قبلی را تسریع کند. نکته بعدی مسأله «امنیتی» میان ایران و عراق است که از اهمیت ویژه‌ای برای کشور برخوردار است؛ به دلیل اینکه هر ۲ کشور برای مبارزه با تروریسم، تلاش‌های قابل توجهی کردند و نتوانستند با کمک یکدیگر تروریسم پدید دهنده را زمینگیر کنند و خلافت او را از بین ببرند. با توجه به اینکه هنوز امکان تولید و تکثیر هسته‌های خفته داعش و جریان‌های تروریستی در برخی مناطق غرب آسیا وجود دارد، حتما همکاری‌های ۲ کشور می‌تواند در مبارزه با این تروریست‌ها موثر واقع شود. نکته مهم دیگر «گذرگاه‌های تجاری» است که باید بین ۲ کشور ایران و عراق افزایش یابد و همچنین از این گذرگاه‌های فعلی حداکثر استفاده برای صادرات و واردات و افزایش تعاملات و تجارت ۲ کشور برده شود. بنابراین به نظر می‌رسد حضور عبداللطیف رشید رئیس‌جمهور عراق در تهران می‌تواند در حوزه‌های مختلف بسیار برای ۲ کشور موثر باشد و ضمناً قدر کشورهای همسایه منطقه بتوانند تعاملات و همکاری‌های خود را بیشتر کنند و در حوزه‌های گوناگون تسری بیخشند، «امنیت منطقه» افزایش و ورود نیروهای فرامنطقه‌ای به منطقه ژئوپلیتیک غرب آسیا کاهش می‌یابد.

موضوعات میان ایران و عراق با توجه به علائق و پیوستگی‌های تمدنی، فرهنگی و اقتصادی ۲ کشور فراوان است. در حقیقت زمینه همکاری‌های ۲ کشور ایران و عراق، می‌تواند به تمام جنبه‌های مختلف پارلمانی، علمی، آموزشی، فرهنگی، رسانه‌ای، هنری و تمام جنبه‌های ممکن، که ۲ ملت همسو و همفکر می‌توانند با هم داشته باشند، تسری یابد. با توجه به تأکیدات رهبر حکیم انقلاب در به ثمر رسیدن توافقات قبلی قطعا در درون و دل توافقات قبلی می‌توان توافقات جدیدی را نیز به وجود آورد و این توافقات را گسترش و تسری داد اما یکی از نکات مهمی که حتما باید از سوی مقامات تهران و بغداد مورد توجه و گفت‌وگو قرار گیرد، اخراج نیروهای بیگانه‌ای است که در بعضی نقاط سرزمین عراق لانه گزیده‌اند.

غیرت زنده است

حضور گسترده مردم مشهد در مراسم تشییع پیکر پاک شهید حمیدرضا الداغی



عکس: آرمین سیمی / خبرگزاری صداسیما

خون حمیدرضا الداغی سفله‌ها را نفله کرده است

بله! به من ربط دارد

مردم ایران از مداخله شجاعانه حمیدرضا به قیمت جان او تمام شد، همچنین حضور گسترده مردم مشهد در مراسم تشییع پیکر مطهر این شهید نشان می‌دهد جامعه ایرانی فهم دقیق و درستی از تاثیر مسؤلیت‌پذیری اجتماعی در قوام فرهنگ و امنیت عمومی دارد. به تعبیر دیگر، جامعه ایرانی رفتارهای شخصی در فضای عمومی را به عنوان یک موضوع خصوصی تلقی نمی‌کند، بلکه هر رفتاری در انتظار عموم را همانند اقدامی که می‌تواند بر حقوق و تکالیف او موثر باشد، فهم کرده و می‌کند و لذا حق خود می‌داند جایی که ولنگاری چند اوباش و مزاحمت آنها برای چند دختر را مشاهده می‌کند، بر اساس تکلیف مسؤلیت‌پذیری در دفاع از حق امنیت اجتماعی خود مداخله کند. این مداخله یعنی مردم

خمود و بی‌احساس غریب‌زده، اینجا در ایران نسل به نسل مقوله مسؤلیت‌پذیری و غیرتمندی را به عنوان یک ارزش در مسیر قوام زیست جمعی و امنیت عمومی پذیرفته‌اند. در کنار اقدام شجاعانه و غیرتمندانه حمیدرضا، واکنش عمومی به این اتفاق که آمیخته به غم، غرور و تحسین است، نشان می‌دهد برخلاف تلاش‌های شبانه‌روزی غرب و رسانه‌هایش اما در جامعه ایرانی مقوله امر به معروف و نهی از منکر، مسؤلیت‌پذیری جمعی و دخالت در مسائل مختلفی که احساسات و وجدان انسان را درگیر می‌کند، یک ارزش و هنجار اجتماعی پذیرفته‌شده و تثبیت شده است. مداخله حمیدرضا الداغی در ماجرای ایجاد مزاحمت و ولنگاری ۲ جوان و استقبال عمومی

فهاد تجربشی: ماجرای حمیدرضا الداغی، جوان خوش غیرت سبزواری باعث شد اکثریت جامعه ایرانی که هم‌خو با مفاهیم انسانی نظیر نوع‌دوستی، مسؤلیت‌پذیری، امر به معروف و نهی از منکر و همچنین کمک به هم‌نوع هستند، داغدار شوند؛ داغدار جوان غیرتمندی که اگرچه منتظر دختر خردسال خود بود اما با مشاهده ولنگاری و مزاحمت چند پسر برای دختر، خودخواهی و عاقبت‌طلبی را قبول نکرد و «مسؤلیت‌پذیری» و «نهی از منکر» را انتخاب کرد، دل به خطر زد و حالا عزیز یک ملت شده است. ماجرای شهادت حمیدرضا نشان داد احساس مسؤلیت عمومی، حس نوع‌دوستی و از همه مهم‌تر مقوله غیرت در جامعه جاری است و برخلاف جوامع

یادداشت

روح‌الله اژدری: در شرایط فعلی همه با واژه سلبریتی‌های آشنایی دارند و می‌دانند این واژه درباره چه کسانی به کار برده می‌شود. این افراد به طور گسترده به عنوان افراد شناخته‌شده عرصه‌های سرگرمی، ورزش و هنر و بازیگری سینما و تلویزیون به طور فزاینده‌ای قابل مشاهده هستند. سلبریتی‌ها سکوی وسیعی برای پیشرفت خود دارند و متأسفانه اغلب به آنها اجازه دسترسی‌های متنوعی داده می‌شود. با گسترش فضای مجازی امکان فعالیت آنها به شکل آزادانه‌تر و البته مخرب‌تر هم بیشتر فراهم شده است. عرصه رسانه یکی از عناصر مهم و اصلی شهرت و شهرت‌طلبی است. قرار گرفتن در معرض رسانه مانند اکسپژن، افراد مشهور را حفظ می‌کند. با ظهور فناوری‌های جدید رسانه‌های اجتماعی تقریباً هر کس می‌تواند به شهرت برسد. شهرت و شهرت‌طلبی دموکراتیک‌تر شده اما از عیار آن کاسته شده است. افراد می‌توانند بدون هیچ‌گونه قابلیت ارزشی به شهرت برسند. وقتی رسانه افراد فاقد فضیلت اخلاقی و اجتماعی را به شهرت می‌رساند گرایشات بیپه‌وده و فاقد ارزش در جامعه زمینه ظهور می‌یابد. در طول سال‌های گذشته سلبریتی‌ها در ترویج توجه بیش از حد به ظواهر زندگی، نقش زیادی داشته‌اند و خط‌شکنی‌ها و قبح‌زدایی‌هایی از برخی محرمانه کرده‌اند. شاید

نگاه



بوتان گفت آنها در ترویج سگ‌بازی و عمل زیبایی بینی و تزریق ژل و بوتاکس و ناخن‌کاری و زندگی مجردی و ازدواج سفید و کشف حجاب و پوشیدن لباس‌های عجیب و غریب و... نقش اساسی را داشته‌اند. متأسفانه هر قدر گرایشات بیپه‌وده و بی‌محتوا فاقد ارزش در جامعه بیشتر می‌شود فضیلت‌ها بیشتر از متن زندگی می‌گریزد و در نتیجه افراد فاقد فضیلت بیشتر در بین افراد جامعه مرجعیت پیدا می‌کنند. در دوران کنونی که گرایش به ابعاد حیوانی انسان بیشتر تبلیغ می‌شود، رجوع به فضایل و ابعاد قدسی زندگی رنگ می‌بازد و افراد جامعه به جای افزایش کیفیت درون به آرایش و افزایش کمیت برون می‌پردازند و در نتیجه کسانی شهرت و مرجعیت پیدا می‌کنند که از لحاظ درونی کم‌مایه اما از لحاظ بیرونی به شهرت و ثروت و قدرتی بادآورده رسیده‌اند. افزایش گرایش به مرجعیت فکری هنرپیشگان، فوتبالیست‌ها و خوانندگان زنگ هشدار را درباره حرکت رو به زوال جامعه به صدا درمی‌آورد. این هشدار زمانی حالت جدی به خود می‌گیرد که جریان‌های سیاسی تلاش می‌کنند مطالبات خود را از زبان همین سلبریتی‌های کم‌مایه اما دارای مرجعیت و پایگاه اجتماعی مطرح کنند. یکی از پروژه‌هایی که دشمنان نظام اسلامی در راستای براندازی تعریف کرده و آن را به عنوان موضوع و مسأله این روزهای کشور مطرح کرده‌اند، مبارزه با حجاب و عفاف زنان ایرانی و مسلمان ماست. حجاب

سلبریتی‌ها و فضیلت‌های تمدنی ما

و حفظ حیا و عفت فردی و عمومی از تاریخ باستان تاکنون در ایران به عنوان یک فضیلت انکارناپذیر مطرح بوده است. در طول نیم سال اخیر سلبریتی‌ها در رأس مبارزه و نفی این فضیلت فردی و اجتماعی بوده‌اند و با کشف حجاب و قبح‌شکنی تلاش کرده‌اند از دامن زنان مسلمان ایرانی فضیلت‌زدایی کنند. این مسیر فضیلت‌زدایی و عریان کردن زن را غربی‌ها و قبیلا تا انتها رفته‌اند و از زن یک برده جنسی باقی مانده است. در میان پژوهش‌های غرب‌شناسی به مطلب قابل تاملی از «ژان ژاک روسو» متفکر غربی درباره نقد غرب بر خورد کرده که بی‌شباهت به شرایط فعلی ما نیست. روسو شرارت حاصل از تلاش بیپه‌وده غربیان را به قدمت عالم می‌داند و معتقد است هرچه انواع علوم و هنر در غرب بیشتر رشد می‌کنند، ارزش‌های زندگی بشر بیشتر از متن زندگی می‌گریزد. وی یونان قدیم را مثال می‌آورد که دو بار بر آسیا و یک بار بر تروا و یک بار بر سرزمین خودشان غلبه کردند اما پیشرفت هنرها و هنرمندان فاقد فضیلت و ضداورش موجب ازهم‌گسیختگی اخلاقی آنان شد. یونانی که مردمش دانشمند بودند و با کار زحمتکش‌ان نامور شده بود، پس از ظهور اوبد (یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان روم)، کاتول (شاعر غنایی مشهور روم) و مارسالی‌ها که به وضوح دشمنان کشور به ترویج و حمایت از مرجعیت سلبریتی‌ها اقدام می‌کنند. در داخل کشور نیز برخی جریان‌های سیاسی در رأس قدرت یا در پی کسب قدرت در تلاشند از پایگاه اجتماعی سلبریتی‌ها نهایت استفاده را ببرند.

یکی از شهروندانش لقب «داور دوک»! عطا کرده بود. جالب است بدانیم ژان ژاک روسو در مقابل یونان قدیم ایران را مثال می‌آورد که به لطف فضایل و ارزش‌های پایدار مردمانش الگویی برای سایر ملل بود و هرگز فضیلت‌ها و ارزش‌های فرهنگی خود را در مقابل پیشرفت هنرها و علوم قربانی نکرد. «در مقابل این تصاویر، تصاویر و خلقیات شمار اندکی از مردمانی را قرار دهیم که مصون از این مسمومیت ناشی از شناخت‌های بیپه‌وده، به لطف فضایل‌شان سعادت خویش و الگویی برای سایر ملل را تحقیر بخشیدند. پاریسیان نخستین چنین بودند. ملتی یکتا که مردمان نزد آنان فضیلت را می‌آموختند. آن‌گونه که نزد ما دانش را فرامی‌گیرند. ملتی که آسیا را با چنان سهولتی مطیع ساخت و یگانه ملتی بود که این افتخار را یافت که تاریخ نهادهایش به داستانی فلسفی تبدیل شود.» نلسون ماندها و مارسالی‌ها و اوبدهای عرصه هنر و ورزش امروز باشند. سلبریتیزم وقتی می‌تواند تمدنی به عظمت یونان را از بین ببرد قطعا برای تمدن اسلامی- ایرانی ما نیز تاثیر مخربی به جا خواهد گذاشت. وقتی این هشدار جدی‌تر می‌شود که به وضوح دشمنان کشور به ترویج و حمایت از مرجعیت سلبریتی‌ها اقدام می‌کنند. در داخل کشور نیز برخی جریان‌های سیاسی در رأس قدرت یا در پی کسب قدرت در تلاشند از پایگاه اجتماعی سلبریتی‌ها نهایت استفاده را ببرند.

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz



یادداشت روز

حمیدرضا وجدان بیدار جامعه

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قنبریان: برای حفاظت و حراست از افراد جامعه، ۲ مرحله متصور است؛ یک مرحله جایی است



که اصطلاحاً به آن مرحله امداد و نجات می‌گویند و آنجایی است که کسی قربانی شده و مورد آسیب واقع شود، مثل جایی که انسان از حادثه‌ای طبیعی مثل سیل و زلزله آسیب می‌بیند و همه وجدان‌ها می‌گویند باید امداد برسانید. اگر به جای سیل و زلزله یک عمل ارادی و اختیاری مثل یک شرارت، سرقت، تجاوز و اذیت جنسی اتفاق بیفتد، اینجا فیلسوفان اخلاق و حقوق به یک حکم اخلاقی به نام امداد و نجات حکم می‌کنند و می‌گویند همه باید به کمک بروند. متأسفانه در دنیای غرب به دلیل گسترش فرهنگ «به من چه» و «به تو چه» این امر بشدت آسیب دیده است؛ به گونه‌ای که ما آمار بالای تجاوز جنسی را در آنجا داریم. مثلاً ۶۵۰۰ تجاوز جنسی در ۳ سال گذشته در انگلستان ثبت شده است تا جایی که برای مقابله با این مسأله مثلاً روی لباس پرستاران بریتانیایی دوربین نصب می‌کنند. یا در اسپانیا به خاطر کاهش مجازات مجرمان جنسی اعتراضاتی وجود دارد و مردم از این بابت ناراحت هستند، این عواقب این مسأله است که اگر در مرحله امداد و نجات جامعه به خود بگوید به ما چه ربطی دارد، این اتفاقات می‌افتد.

مرحله دوم این است که کسی به ظاهر قربانی نشده و کمکی برای نجات خود طلب نمی‌کند و با رضایت خود این کار آسیب‌زا را انجام می‌دهد و خود را در معرض آسیب قرار می‌دهد. این مرحله در پهنه وسیع امر به معروف و نهی از منکر جا می‌گیرد. آقای «مایکل کوک» که درس خوانده کمبریج و استاد دانشگاه‌های آمریکاست، وقتی ماجرای استرونی شیگاگو را تعریف می‌کند، می‌گوید آنجا کسی مورد آزار جنسی واقع شد و مردم با وجود اینکه شلوغ‌ترین وقت مترو بود، تماشاگر بودند.

سوال و پرسش اصلی روزنامه‌ها این بود: چه بر سر مردم آمده است که قربانی تجاوز کمک می‌خواسته و هیچ کسی به کمک او نرفته است. صرفاً بعد از آنکه متجاوز کارش را تمام کرد و رفت، کسی دنبالش کرده و او را به پلیس معرفی کرده است و آن فرد با ۵ نفر دیگر که علیه متجاوز شهادت دادند به عنوان شهروندان خوب، جایزه شهروندی گرفتند.

مایکل کوک در اینجا یک بحثی دارد که بحث مفیدی است و در کتاب خود آورده است. وی ۲ جلد مفصل کتاب «امر به معروف و نهی از منکر در اسلام» نوشته و می‌گوید ما در فرهنگ خود واژه‌های برای این مسأله نداریم که کسی در این شرایط کمک کند. می‌گوید من ۱۲ سال تحقیق کردم و ۱۷۰۰ کتاب و مقاله خواندم و با اسلام آشنا شدم و دیدم مفهوم وسیعی به نام امر به معروف و نهی از منکر دارند که هم شامل امداد و نجات می‌شود، یعنی جایی که کسی کمک بخواهد و قربانی باشد و هم شامل جایی می‌شود که حتی آن شخص خودش کار بدی را انجام می‌دهد ولو خودش انتخاب کرده اما چون کار بدی است و کار بد عواقبی را در جامعه دارد، نهی از منکر او لازم است. در میان کسانی که مسلمان نیستند، تقریباً مفصل‌ترین کتاب درباره امر به معروف را وی نوشته و دلیلش هم در پیش‌گفتار همین مسأله ذکر شده است. مرحله‌ای که تحت عنوان امداد و نجات ذکر شد را همه وجدان‌های عمومی جامعه، هم‌صدا تصدیق می‌کنند که آنجا جایی است که انسان باید هر طور می‌شود کمک کند. فطرت انسانی مردم، کسانی همچون شهید الداغی را که در این راه مجروح یا شهید می‌شوند ستایش می‌کند و اگر این سنگ‌های زبرین فطری و وجدانی جامعه ویران شد، چیزی برای آن جامعه نمی‌ماند؛ همان‌طور که در غرب نمانده است. ۶ چیز در ادیان محل اتفاق هستند که یکی از آنها امر به معروف و نهی از منکر است. همه ادیانی که روی زمین آمدند اصل امر به معروف و نهی از منکر را داشتند ولی اصل مهم از مسیحیت و ادیان دیگر رخت بسته تا جایی که مرحله امداد و نجات هم دیگر آسیب جدی دیده است. در اسلام این چنین تشریح حکیمانه‌ای وجود دارد که همه فقها به حکم عقل، آن را واجب می‌دانند و منافع زیادی را در خودش دارد که باید قدردان این اصل و کسانی چون شهید الداغی که جان خود را در این راه نثار می‌کنند، باشیم.